

Sl. No of Question Paper: 2901

Unique Paper Code: 2091101

F-1

Name of the Paper: Contemporary Prose (with an abridged history of Persian Prose writings)

Name of the Course: B. A. (Hons.) Persian (DC 1.1)

Semester: I

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

### Instructions for candidates

Unless otherwise required in a question answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu ; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following into English or Urdu or Hindi.

25

از متون زیر دو رابه زبان انگلیسی یا اردو یا ہندی ترجمہ کنید :

(A)

یکی از روز های آخر زمستان بود۔ بچہ ہا دستہ دستہ از دبستان برمی گشتند۔ زری و پری ہم کہ دوست و همسایہ بودند، از پیادہ رو خیابان بہ خانہ می رفتند۔ پری می گفت: زری جان، نمی دانی چقدر خوشحالم کہ عید نزدیک می شود! من عید نو روز را خیلی دوست دارم تنها روز های عید نیست کہ بہ من خوش می گذرد، چہار شبہ سوری و سیزدہ بدرہم روز های خوشی است۔ زری، من ہم ہمہ این روز ہا را دوست دارم و از اول اسفند خوشحالم کہ زمستان تمام می شود۔ از روز های اول اسفند ہمہ بہ جنب و جوش می افتند۔ مغازہ ہا از خریدار پرمی شود۔ ہرکس چیز نوی می خرد۔

(B)

سنگپشت راہ باریکی را درمیان درختان نشان داد و گفت۔ از این طرف می رویم تا بہ آن چشمہ برسیم، گوزن خود پسند قبول کرد۔ ہر دوبہ راہ افتادند۔ گوزن باچابکی از روی بوٹہ ہبی جست و ہر لحظہ بر غرورش افزودہ می شد۔ اما

سنگپشت آهسته به دنبال اومی آمد. چیزی نگذشت که گوزن از دور چشمه را دید و باخنده ای سنگپشت را صدا زد و گفت. دوست عزیز، من بایک خیز دیگر به مقصد می رسم و سزای کسی را که بامن هوس مسابقه دادن کرده است خواهم داد. هنوز سخنش تمام نشده بود که بدون توجه به پیش روی خود خیزی برداشت، ولی. شاخهای بلندش در شاخه های درختی کهن گیر کرد. بیچاره هر چه کوشید نتوانست خود را آزاد کند.

(C)

میزبان با دیدن میهمان دست دور گردن او حلقه کرد و بعد از آنکه کلی احوال پرسید و چاق سلامتی کردند و از روزگار و ایام جوانی گفتند، از دوستش خواست که آنقدر در خانه او بماند که دیگر از آنجا خسته و از محبتهای میزبانش سیر شود. باری، میزبان بعد از این تعارفهای اولیه، قبل از هر چیز چند جور شربت به شیرینی عسل و خنکی آب چشمه برای دوست تازه از راه رسیده اش مهیا کرد و بعد رفت دنبال بقیه قضا یا. فکر می کنید دنبال چه کاری رفت... بله، رفت و گوسفندی خرید و آن را ذبح کرد و گوشت گوسفند را به آتش ملایمی سپرد و کبابی آماده کرد که فقط بوی دور آن هوش از سر هر آدمیزادی می پراند چه برسد به اینکه کسی از آن بخورد.

2. Write a summary of any one of the following Lesson.

20

یکی از در سهای زیر را خلاصه کنید :

۱- نیکی و بدی

۲- دهقان و گنجشک

۳- چهار شنبه سوری

3. Choose and write the correct answer from the following :

10

پاسخ صحیح از زیر بنویسید :

۱- مرد و ..... به دنبال خرمی گشتند.

دوستان  بازیگران  آسیابان

۲- حاکم به ..... پسر آفرین گفت.

راست گویی  دروغ گویی  هوش و فهم

۳- لقمان حکیم کدام اعضای حیوان را پیش خواجه برد؟

کتیف  دل و زبان  جگر

۴- لقمان حکیم چه طور به نظر می آمد؟

شیک  سیاه چرده  سفید

۵- موضوع درس نیکی و بدی چیست؟

انجوم  شعر  پند و نصیحت

۶- خراز پدر خود چند تا پند یاد دارد؟

سه  چهار  پنج

۷- در بیشه باکی آشنای داشت؟

روباه  گرگ  الاغ

۸- خانواده آقای محمدی در کدام شهر زندگی می کرد؟

تبریز  اصفهان  شیراز

۹- بل از کز بودن شاگردان خود چگونه حس می کرد؟

رنج می برد  شوخی می کرد  لذت می برد

۱۰- خانه شغال کجا بود؟

کنار باغ  کنار صحرا  کنار دریا

## 4. Fill in the blanks with appropriate words.

جاهای خالی را با واژه های مناسب پر کنید :

۱. مرد خر را به یک.....بست

درخت       سنگ       میخ

۲. فهمیدم که پای راست این خر.....است.

انگ       کوتاه       بزرگ

۳. در شکم گنجشک.....بود.

مروارید       یاقوت       الماس

۴. گنجشک پرسید.....بامن چه خواهی کرد؟

ای صیاد       ای دوست       ای دهقان

۵. یکی از روزهای آخر.....بود.

زمستان       تابستان       پاییز

۶. زری و پری.....بودند.

همکار       خوشنیوس       دوست و همسایه

۷. فریدون، همارا نزدیک.....دید.

دانشگاه       کتابخانه       خانه شان

۸. مادر از.....اسفند شروع به خانه تکانی می کند.

دهم       دوازدهم       پانزدهم

۹. روز عید.....واقعتاً تماشایی است.

خیابانها       کوهها       دشتها

۱۰. پدر و مادر به همه اهل خانه.....می دهند.

عیدی       پند       پول

5. Make any five sentences in Persian using any of the following words. 10

باواژه های زیر به فارسی پنج جمله بسازید.

برق      تلفن      قطار      جشن      خانواده  
مروارید      طبیب      فداکار      پنجره      کیسه

...